

۱۳۴۸۵۵۳

۹۴,۹,۲۴



سفرنامه‌ی ناصر خسرو

به انضمام واژه‌نامه

گلستان شعر و ادب فارسی

(۵۵)

به کوشش

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: ناصر خسرو، ۳۹۴-۴۸۱ هجری قمری
عنوان و پدید آور: سفرنامه ناصر خسرو / به کوشش عباس یزدی
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۴، ۲۴۸ ص
فروست: گلستان شعر و ادب فارسی، ۵۵
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۶۷-۶
موضوع: نثر فارسی - قرن ۵ ق، ناصر خسرو، سفرها، ایران سیر و سیاحت
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۵۰۴۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۳۹۱۷۷۳۴

انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان : سفرنامه ناصر خسرو
به کوشش : عباس یزدی
ویراستار : مصطفی یزدی
ناشر : فرهنگ دانشجو
طرح جلد : فرشاد
چاپ : نسیم
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴
شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

انتشارات فرهنگ دانشجو: خیابان انقلاب - خیابان بهار - برج بهار

طبقه پنجم - واحد ۵۹۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۷۷۶۱۶۴۸۲ - ۷۷۶۱۶۳۵۱

فکس: ۸۸۳۳۴۲۱۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۶۷-۶

ISBN 978-964-8479-67-6

فهرست مطالب

۲۱..... برف در صحرا.....	۷..... پیشگفتار.....
۲۱..... بطلیس.....	۹..... زندگی نامه‌ی ناصر خسرو.....
۲۱..... آرزن.....	۱۱..... نکوهش مکن چرخ نیلوفری را.....
۲۲..... میافارقین.....	۱۱..... مکافات.....
۲۳..... اُمِد.....	۱۱..... از ماست که بر ماست.....
۲۴..... حزان.....	۱۳..... سفرنامه.....
۲۴..... تعلیم قرآن.....	۱۳..... حکیم ناصر خسرو قبادیانی.....
۲۵..... سروج، مَنبج.....	۱۵..... فصل اول.....
۲۵..... حَلَب.....	۱۵..... سفر به شغل دیوانی.....
۲۶..... مَعْرَةُ النُّعْمَان.....	۱۵..... مرو، پنج دیه.....
۲۶..... ابوالعلائی مَعْرَى.....	۱۶..... جوزجانان.....
۲۷..... حماة.....	۱۶..... خوابی بیدارکننده.....
۲۷..... به راه ساحل.....	۱۶..... شبورغان، باریاب، مرو، دالزود.....
۲۷..... عرقه.....	۱۷..... فصل دوم.....
۲۸..... طرابلس.....	 آهنگ خَجّ پس از استعفا از
۲۹..... طرابرزن، جبیل.....	۱۷..... شغل دیوانی.....
۲۹..... بیروت.....	 مرو، سرخس، نیشابور، قومسف
۳۰..... صیدا.....	۱۷..... دامغان، سمنان، ری.....
۳۰..... صور.....	۱۸..... قزوین.....
۳۰..... قبر صالح عليه السلام	۱۸..... خرزویل.....
۳۱..... مَشاهد انبیاء عليهم السلام	۱۹..... سفیدرود.....
۳۳..... دریای لوط.....	۲۰..... سراب، تبریز.....
۳۴..... عَکّه، حیفّا.....	۲۰..... مرند، خوی، وان، و سلطان.....
۳۴..... وادی نهنگان.....	۲۰..... اخلاط امیر صد ساله.....

جامع الازهر	۶۱	قیساریه	۳۴
صفت فتح خلیج	۶۲	بر چهره‌ی ریگزارها	۳۴
صفت شهر مصر	۶۶	رمله	۳۵
صفت خوان سلطان	۷۰	بیت المقدس	۳۵
سیرت سلطان مصر	۷۱	صفت شهر بیت المقدس	۳۶
فصل پنجم	۷۳	بیمارستان قدس	۳۷
سفر دوم حج	۷۳	صخره	۳۸
جار	۷۳	محراب زکریا علیه السلام	۳۹
مدینه	۷۳	مهد عیسی علیه السلام	۴۰
دوم بار در کعبه	۷۴	مسجد الاقصی	۴۱
فصل ششم	۷۵	صفت دُکان	۴۴
بازگشت به مصر	۷۵	صفت قبه‌ی صخره	۴۴
فصل هفتم	۷۷	راه دُکان	۴۷
سفر سوم حج	۷۷	صفت مشهد خلیل علیه السلام	
بار دیگر در جار	۷۷	علیه	۴۸
مکه	۷۷	قبر یوسف علیه السلام	۴۹
مردم خراسان به راه حج	۷۷	مکه	۵۰
فصل هشتم	۷۹	فصل سوم	۵۱
بازگشت به مصر	۷۹	بازگشت به بیت المقدس	۵۱
رفتن امیر مدینه به مصر	۷۹	فصل چهارم	۵۳
درختکاری دل‌انگیز	۸۰	سفر به مصر	۵۳
فصل نهم	۸۱	رمله، عسقلان	۵۳
سفر چهارم حج	۸۱	تنیس	۵۳
بر رود نیل	۸۱	مصر	۵۵
اَسیوط	۸۱	صفت شهر مصر و ولایتش	۵۵
قوص	۸۲	مناره‌ی اسکندریه	۵۷
اخمیم	۸۲	قیروان، مهدیه، اَنْدُلُس، سقلیه	۵۷
اسوان	۸۲	دریای قُلزم	۵۸
مردی پارسا	۸۳	صفت شهر قاهره	۵۹

بصره، اُبُلّه..... ۱۰۶	شتران در دل صحرا..... ۸۳
نشانی از شگفتی‌های روزگار... ۱۰۷	عیدآب..... ۸۳
مناعت طبع..... ۱۰۷	ماهی شگفت..... ۸۵
مشاهد علی علیه السلام در بصره..... ۱۰۸	جوانمردان روزگار..... ۸۵
صفت مدّ و جزر بصره..... ۱۰۹	جذّه..... ۸۶
صفت اعمال بصره..... ۱۱۰	صفت شهر مکه
عُبادان (آبادان)..... ۱۱۰	شَرَفُهَا اللهُ تَعَالَى..... ۸۶
خشاب..... ۱۱۱	صفت زمین عرب و یمن..... ۸۹
مهر و بان..... ۱۱۱	صفت مسجد الحرام، کعبه و
اَرْجَان..... ۱۱۲	بَيْتُ الْمُقَدَّس..... ۹۰
لوردغان، خان لنجان..... ۱۱۳	صفت در کعبه..... ۹۲
اصفهان..... ۱۱۳	صفت اندرون کعبه..... ۹۳
نابین..... ۱۱۴	چاه زمزم..... ۹۴
ریگ روان..... ۱۱۵	صفت گشودن در کعبه
طبس..... ۱۱۵	شَرَفُهَا اللهُ تَعَالَى..... ۹۵
تون..... ۱۱۶	عُمَرُهی جِعرانه..... ۹۶
قاین..... ۱۱۶	عرفات..... ۹۶
مردی فاخِل در قاین..... ۱۱۷	جَبَلُ الرَّحْمَةِ..... ۹۷
سرخس..... ۱۱۷	مَشْعَرُ الْحَرَام..... ۹۷
مروالزود - قاریاب..... ۱۱۷	فصل دهم..... ۹۹
به سوی بلخ..... ۱۱۷	بازگشت به بلخ..... ۹۹
دیدار برادر..... ۱۱۸	طائف..... ۹۹
پایان سفر..... ۱۱۹	ناحیه‌ی فلج..... ۱۰۱
واژه نامه..... ۱۲۱	نقشگر بادیه..... ۱۰۱
انتشارات فرهنگ دانشجو منتشر	یَمَامه..... ۱۰۲
کرده است:..... ۱۴۳	صفت لَحْسا..... ۱۰۳
	ولایت عُمان..... ۱۰۵

پیشگفتار

ایزد چو به خواهد بگشاید در رحمت دُشواری آسان شود و صعب مُیسر
دانی که خداوند نه فرمود به جز حق حق گوی و حق اندیش و حق آغاز و حق آور

* * *

آثار ادبی ایران، باز تاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت بزرگ و مسلمان ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پر فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز بدست ما رسیده است. غنای این آثار، نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و تلاش و کوشش فرزندگان ادب و فرهنگ ایران و عظمت روح بلند و حقیقت جوی آنان است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاعران مشهوری چون فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، ناصر خسرو، ختایم، سنایی، عطار، مولانا، جامی، سلمان ساوجی، صائب، هاتف، پروین، ایرج میرزا، بهار، الهی قمشه‌ای، دهخدا، شهریار و نویسندگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسعید ابی‌الخیر، شیخ بهایی، ابوالمعالی، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی و دیگران است که با برخورداری از فرهنگ اسلامی و ذوق و کوشش فراوان خویش، آثاری باشکوه و ماندگار خلق کرده و سرمایه‌های گرانبهائی را به یادگار گذاشته‌اند که جاذبه و شیرینی این آثار هر صاحب دلی را مست و مسحور می‌کند و این شعر دلنشین مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

* * *

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را به من داد تا قطره‌ای از دریای بی‌کران آثار این بزرگان را در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم.

آذر ماه ۱۳۹۴ - عباس یزدی

زندگی نامه‌ی ناصر خسرو

حکیم ناصر خسرو قبادیانی، شاعر بزرگ و قصیده سرای توانا و فیلسوف متفکر و جهانگرد شجاع و مبلغ چیره دست، از چهره‌های درخشان علمی و ادبی ایران در قرن پنجم است که در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان بلخ به دنیا آمد. وی علوم متداول زمان خود را فرا گرفت و در دوران جوانی به دربار شاهان غزنوی رفت و آمد داشت و در دربار سلجوقیان نیز خدمت می‌کرد. ناصر خسرو در طول زندگی پر حادثه‌ی خود نه تنها فعالیت‌های مذهبی و سیاسی خود را به خوبی دنبال کرد و رسالت انسانی خود را به انجام رسانید، بلکه توانست آثار ارزنده و مفیدی از خود به یادگار گذاشت.

از مهمترین آثار وی دیوان اشعار اوست که در واقع گنجینه‌ای از اشعار فصیح و بلیغ و افکار بلند اوست. بخش مهم اشعار ناصر خسرو را قصیده‌های وی تشکیل می‌دهد که این قصاید شامل: ترکیبات، تشبیهات، کنایات، اصطلاحات و تعبیرات شیرین فارسی و مجموعه‌ای از مضامین قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سخنان بزرگان و نیز شامل پندها، امثال و حکم و اندرزهای حکیمانه و بیان مطالب فلسفی و خداشناسی و انتقاد از کج روی‌ها، زشتی‌ها و نادرستی‌ها و در نهایت دفاع از حق و مبارزه با باطل مبتنی بر مذهب شیعی است.

این شاعر متواضع، همان گونه که خود گفته است، در حدود چهل سالگی از خواب غفلت بیدار شد و سفری هفت ساله را جهت تحقیق و کسب حقیقت و معرفت آغاز کرد که به سفرنامه مشهور است.

بر آمد سالیانی چل کمایش	نبود اندر جهان جز خواب و خور
نه سنگی باز دانستم ز چوبی	نه خرما باز دانستم ز آگری ^۱
دل را چون به فضل خویش ایزد	به کرد از عقل نورانی مَنور
به زد صبح خرد تیغ از شب جَهل ^۲	دل به بفروخت چون از مهر خاور
سر اندر جستن دانش نهادم	نکردم روزگار خویش بی‌تر ^۳
نه حق را باز پس هشتم ز باطل	به کردم فرق از معروف، مُنکر

که تا باطل نیاموزی ز دانش

ندانی قیمت حق ای برادر

سپس، برای راهنمایی مردم به خراسان بازگشت، ولی تحت پیگرد و آزار امیران سلجوقی فراری شد. او سالهای آخر عمر خود را در رنج و زحمت بسیار گذراند. ناصر خسرو پس از ۸۷ سال زندگی پرماجرا، در سال ۴۸۱ هجری دنیای فانی را وداع گفت.

شفای جان ندیدم ز ایچ دانش مگر از دعوتِ آل پیامبر
به ایشان باز بستم خویشان را شدم مسعود و بر شیطان مظفر
مرا توحید و ایمان است و اقرار بدین پیغمبر مختار و حیدر
یقین گشتم به آیات و معقول که باشد مبعث و میزان و محشر
کسی کو خوار دارد کار دین را
برد فردا پشیمانی و کیفر

شیخ عطار در این زمینه در کتاب مظهرالعجایب خود که در مدح حضرت علی علیه السلام سروده، ناصر خسرو را هم ستوده و در باره‌ی ایمان وی چنین می‌فرماید:

گر تو می‌خواهی که بابی دولتی وارهی بی‌شبهه از هر ذلتی
هست شـرع احمدی راه درست هر که جز این راه رفت، او رنج جُست
هر که در اُطاف سرمد باشد او پیرو شرع محمد باشد او
گر تو یک دم همنشین جان شوی همچو ناصر سرور ایمان شوی
ناصر خسرو به حق چون راه یافت همچو منصور او نظر در شاه یافت
تو یقین می‌دان که شه بی‌راه نیست
گر روی راه دگر، شه راه نیست

* * *

البته، منظور عطار از شاه، همان شاه اولیا حضرت علی علیه السلام است. ناصر خسرو در قصاید تعلیمی خود انسانها را به آزادگی، خردورزی، دینداری، علم‌اندوزی، آخرت‌اندیشی و دیگر فضایل معنوی و روحی دعوت می‌کند. او در شعر زیر، با بهره‌گیری از تمثیلی زیبا، ریشه‌های شکست آدمی را در اندیشه و کردار خود او جستجو می‌کند و فرجام بد هر فرد را نتیجه‌ی اعمال بد او می‌داند:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را بزون کن ز سر باد خیره‌سری^۱ را...
 بری دان ز افعال چرخ برین را نشاید نکوهش ز دانش بری را...
 اگر تو ز آموختن سر نتابی به جوید سر تو همی سروری را
 به سوزند چوب درختان بی‌بر سزا خود همین است مری‌بری را
 درخت تو گر بار دانش بگیرد
 به زیر آوری چرخ نیلوفری را...

مکافات

چون تیغ به دست آری مردم نتوان گشت نزدیک خداوند بدی نیست فراموش^۲
 این تیغ نیز^۳ بهر ستمکاران کردند انگور نیز بهر نپید^۴ است به چرخش^۵
 عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت
 گفتا که که را کشتی تا کشته شدی زار تا باز که او را بکشد آن که تو را کشت
 انگشت مکن رنجه به در کوفتن^۶ کس
 تا کس نکند رنجه به در کوفتن^۷ مُشت

از ماست که بر ماست

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست و اندر طلب طعمه بر و بال بیاراست
 بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت: «امروز همه روی جیفان زیر پر ماست
 بر اوج چو پرواز کنم، از نظر تیز می‌بینم اگر ذره‌ای اندر نی^۷ دریاست
 گر بر سر خاشاک یکی پشه به جنبد جنبیدن آن پشه عیان^۸ در نظر ماست»
 بسیار منی کرد^۹ و ز تقدیر نرسید بنگر که ازین چرخ جفایشه چه برخاست
 ناگاه ز کمینگاه یکی سخت کمانی تیری ز قضا بد بگشاد بر او راست

۳ - (مخفف) نه از

۲ - فراموش

۱ - خودسری، غرور

۵ - چرخ برای گرفتن آب انگور جهت تهیه شراب

۴ - شراب، شراب انگور

۸ - آشکار، پیدا

۷ - قعر

۶ - آسیب و آزار

۹ - تکبر و رزید.

بر بالِ عُقاب آمد آن تیر جگر دوز وز ابر مر او را به سوی خاک فرو کاست^۱
بر خاک بیفتاد و به غلتید چو ماهی وانگاه پر خویش گشاد از چپ و از راست
گفتا «عجب است این که ز چوبی و ز آهن این تیزی و تندی و پریدن ز کجا خاست؟!»
چون تیز نگه کرد و پر خویش بر او دید
گفتا: «ز که نالیم که از ماست که بر ماست!»

www.ketab.ir